



Lived Experience and Perceptions of Female Inmates with Prior Convictions Regarding Prison

Mohammad Saeed Zokaei¹ | Somayeh Naserian² 

DOR: 20.1001.1.26454955.1404.20.72.7.5

Research Paper

Received:
08 March 2024

Revised:
09 October 2024

Accepted:
29 April 2025

Published:
23 September 2025

P.P: 145-178

ISSN: 2645-4955
E-ISSN: 2645-5269



Abstract

The distinct characteristics of male and female inmates necessitate attention to gender differences and a particular focus on women when addressing the phenomenon of crime. Male and female prisoners are judged differently, and the experience of incarceration carries different meanings and implications for them. The present study aimed to examine the impact of prison experience on meaning-making and female inmates' perceptions of their feminine identity. For this purpose, 25 female inmates with prior convictions for drug trafficking, the largest group of female prisoners, were purposefully selected and interviewed using semi-structured and in-depth interviews at the Qarchak Women's Correctional Facility. Thematic analysis was employed to analyze the data. The findings revealed three main themes: transformation of femininity, decline and loss of roles, and the "subordination and collusion" alliance, indicating that most female drug offenders, due to their subordinate position, were exploited by men and ended up in prison. This collusion was influenced by their psychological acceptance of the prison environment, and the inmates, experiencing the loss of feminine characteristics, sought strategies to reconstruct and strengthen their feminine identity.

Keywords: Prison; lived experience; Aspects of femininity; Gender differences; Feminine identity.

1. Professor, Department of Sociology and Cultural Studies, Faculty of Social Sciences, Allameh Tabataba'i University, Tehran, Iran.

2. PhD Student, Department of Cultural Policy, Faculty of Culture and Soft Power, Imam Hossein University, Tehran, Iran. Email: s.naserian61@gmail.com

Cite this Paper: Zokaei'M & Naserian'S .(2025). Lived Experience and Perceptions of Female Inmates with Prior Convictions Regarding Prison. *The Women and Families Cultural-Educational*, 20(72), 145-178.

Publisher: Imam Hussein University


© **Authors**



This article is licensed under a Creative Commons Attribution 4.0 International License (CC BY 4.0).



تجربه زیسته و ادراک زندانیان زن سابقه‌دار از حضور در زندان

محمدسعید ذکابی^۱ | سمیه ناصریان^۲ 

سال بیستم
پاییز ۱۴۰۴

مقاله پژوهشی

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۱۲/۱۹
تاریخ بازنگری: ۱۴۰۳/۰۷/۱۸
تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۲/۰۹
تاریخ انتشار: ۱۴۰۴/۰۷/۰۱
صص: ۱۷۸-۱۴۵

شاپا چاپی: ۴۹۵۵-۲۶۴۵
الکترونیکی: ۵۲۶۹-۲۶۴۵



چکیده

ویژگی‌های متفاوت زنان و مردان زندانی، لزوم توجه به تفاوت‌های جنسیتی و نگاه خاص به زنان در مواجهه با پدیده‌ی جرم را دوچندان می‌سازد. زنان و مردان زندانی به شیوه‌ای متفاوت قضاوت می‌شوند و تجربه زندان معانی و دلالت‌های متفاوتی برای آن‌ها به همراه دارد. هدف از این پژوهش، بررسی تاثیر تجربه زندان بر معناسازی و درک زنان زندانی از هویت زنانه است برای این منظور، از ۲۵ زن سابقه‌دار محکوم به قاچاق مواد مخدر که بیشترین آمار زنان زندانی را تشکیل می‌دهند در ندامتگاه زنان قرچک، مصاحبه‌های نیمه ساختاریافته و عمیق به صورت هدفمند انجام گرفت و برای تجزیه و تحلیل داده‌ها از روش تحلیل مضمون استفاده شد. یافته‌های پژوهش به سه مضمون اصلی: دگرگونی زنانگی، زوال و از دست دادن نقش‌ها، ائتلاف "فرودرستی و هم دستی" رسید که حاکی از آن است که اکثر زنان زندانی مواد مخدر به دلیل قرار گرفتن در موقعیت «فرودرست» مورد سوء استفاده‌ی مردان قرار گرفته و راهی زندان شدند و این هم دستی در شرایط پذیرش روحی آنان در زندان موثر بوده و زندانیان با توجه به از دست دادن ویژگی‌های زنانه شان در زندان به دنبال استراتژی‌هایی برای بازسازی و تقویت بعد زنانه خود هستند.

کلیدواژه‌ها: زندان، تجربه زیسته، وجوه زنانگی، تفاوت‌های جنسیتی، هویت زنانه

۱. استاد، جامعه‌شناسی و مطالعات فرهنگی، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه علامه طباطبائی (ره)، شهر تهران، کشور ایران.
۲. نویسنده مسئول: دانشجوی دکتری، گروه سیاستگذاری فرهنگی، دانشکده فرهنگی و قدرت نرم، دانشگاه امام حسین (ع)، شهر تهران، کشور ایران.
Email: s.naserian61@gmail.com

استناد: ذکابی، محمدسعید؛ ناصریان، سمیه. (۱۴۰۴). تجربه زیسته و ادراک زندانیان زن سابقه دار از حضور در زندان؛ فرهنگی- تربیتی زنان و خانواده، ۲۰(۷۰)، ۱۷۸-۱۴۵. DOR: 20.1001.1.26454955.1404.20.72.7.5

© نویسنده‌گان

ناشر: دانشگاه جامع امام حسین (ع)



این مقاله تحت لایسنس آفرینندگی مردمی (Creative Commons License- CC BY) در دسترس شما قرار گرفته است.

مقدمه و بیان مسئله

زنان به عنوان گروهی آسیب‌پذیر و حساس، حدود نیمی از جامعه انسانی را تشکیل می‌دهند که می‌بایست در مواجهه با پدیده جرم، به طور ویژه به آنان پرداخته شود. محققان و اندیشمندان حوزه مسائل اجتماعی و جرم‌شناسی با وجود تغییرات به وجود آمده در زمینه تعداد جمعیت زنان زندانی به جرائم زنان، به ویژه مسائل و مشکلات آنان در هنگام بازگشت به جامعه کمتر توجه کرده‌اند. غفلت از این امر، افزایش میزان بزهکاری مجدد و بازگشت به زندان و نیز گسترش آسیب‌های اجتماعی را به همراه دارد (صادقی فسایی و میرحسینی، ۱۳۹۳: ۲۱). براساس گزارش مرکز بین‌المللی مطالعات زنان، ایران در میان صد و نود و هفت کشور جهان، از لحاظ فراوانی زنان زندانی، رتبه هشتاد و یک را داراست در عین حال، براساس گزارش نیروی انتظامی تعداد محکومان زن از سال‌های ۱۳۶۰-۱۳۸۰، چهار برابر شده است. اگرچه سهم زنان در ارتکاب جرم افزایش یافته است ولی هنوز میزان جرم زنان کمتر از پانزده درصد میزان کل جرم‌هاست. این اصل در تمام کشورهای دنیا و از جمله در ایران صادق است. در ایران، زنان تنها چهار و چهل و هشت صدم درصد زندانیان را تشکیل می‌دهند و آمار و گزارش‌های منتشر شده حاکی از آن است که جرم مرتبط با قاچاق مواد مخدر بیشترین میزان جرم‌ها در میان زنان و مردان کشور را تشکیل می‌دهد این در حالی است که براساس اعلام سازمان زندان‌های کشور در سال ۱۳۹۳، زنان بیست و شش درصد از مصرف‌کنندگان مخدرهای صنعتی را تشکیل می‌دهند و آمار دختران و زنان زندانی به جرم قاچاق، مصرف و توزیع و فروش مواد مخدر از مردان پیشی گرفته است برپایه‌ی همین گزارش، آمار مجرمان زن در زمینه قاچاق مواد مخدر پنجاه و چهار درصد است، در حالی که در بین مردان این آمار در مقایسه با کل جرم‌های مردان حداکثر چهل و سه درصد است (فره‌مند و همکاران: ۵۸، ۱۴۰۰).

تلاش برای حفظ هویت زنانه در زندان، برای زنانی که اکثراً دچار طرد اجتماعی و خانوادگی شده‌اند، از مردان تفر دارند، امید به آینده در آنان بسیار کم رنگ شده است، روحیه‌ی خشنی در زندان پیدا کرده‌اند، اغلب مطلقه هستند و یا مردانشان نیز همزمان در زندان‌های مردانه به سر می‌برند، به ویژه زنانی که در بندهای قاچاق مواد مخدر، به خاطر فقر، به فروش مواد روی آورده و

یا از آنان سوء استفاده شده است، ترومایی که از کودکی بر زندگی شان سایه افکنده و با سختی‌های نامادری، کارگری سخت و کودک همسری به بزرگسالی رسیده اند، این این مهم را بسیار سخت و دشوار نموده است، از این رو شیوه تعامل و مواجهه زنان با محیط زندان و آثار احتمالی این تجربه بر هویت زنان زندانی، اهمیت بسیار دارد.

برخی از زنان به واسطه معاونت و مشارکت در جرائم مردان به زندان می‌افتند، به طوری که محققان فمینیستی همچون اندرسون^{۱۱} (۲۰۰۸) برای باورند که این زنان قربانیانی هستند که به سمت زندگی مجرمانه سوق داده شده‌اند و کنترل و انتخاب‌های اندکی در زندگی شان داشته‌اند هم چنین گویتا و چن^{۱۲} (۲۰۱۶) نیز معتقدند که زنان زندانی "منحرفین مضاعف" نامیده می‌شوند زیرا آن‌ها نقش‌های جنسیتی هنجارمند و اصولی خود و همچنین ظرفیت باروری خود را به خطر می‌اندازند و بعنوان افراد غیرمونث تفسیر می‌شوند. (لاریجانی ۱۳۹۹:۸۱)

بنابراین توجه به ویژگی‌های جسمانی و زیستی زنان در دوران حبس نیازمند ملاحظه و توجه است، زیرا نقش‌های جنسیتی زنانه همچون سرپرستی خانوار، مادری، بارداری، شیردهی، و حتی مجرد بودن نیاز به رفتارها و حمایت‌های مختص به خود دارد که نوع مدیریت زندان و همچنین مطالبات زندانیان زن را با مرد متفاوت می‌سازد حال آنکه مرد انگاری زنان و تحمیل شرایط مردانه، زندان زنان را به سمت جرائم مردانه سوق می‌دهد زیرا عوامل ساختاری این ظرفیت را دارند که تسهیل کننده و یا مانعی برای بازگشت موفقیت‌آمیز مجرمان سابقه‌دار به جامعه باشند. از این رو بر احتمال متهم شدن دوباره آن‌ها اثر می‌گذارد و شرایط زندان می‌تواند اثرات منفی بر جای بگذارد که زندانی هیچ انتخابی به غیر از بازگشت به فعالیت‌های غیر قانونی برای رفع نیازهای خود نداشته باشند. (همان: ۳۱).

با توجه به اینکه اکثر جمعیت زندانیان، مردان هستند، لذا طبیعی است که ساختار، خدمات و قوانین و مقررات موجود در زندان غالباً بر اساس نیازهای مردان طراحی شده و مطالعاتی برای پاسخ مناسب به نیازهای زنان زندانی در ساختار زندان‌ها طراحی و اجرا نشده باشد (فرنیا: ۱۳۹۵، ۲۹). این پژوهش به دنبال درک معنای جهان زندگی زنان زندانی، موقعیت‌ها یا تجربیات آن‌ها و درک عمیق‌تری از

1. Anderson, M. L
2. Chen & G K Gueta

پدیده‌ی «زندانی زن بودن» است، زبان، محتمل‌ترین وسیله برای رسیدن به این آگاهی و مصاحبه ابزار اصلی این روش بود.

در جامعه‌ای که اساس آن بر پایه اعتقادات مذهبی و دینی ریخته شده و وجود مراکز قمار، فحشا، عرضه مشروبات الکلی و لجام گسیختگی نفسانی ممنوع است، شیوع مفسده آشکار و پنهان، افزایش قابل توجه ناهنجاری و کج رفتاری از آلودگی به مواد مخدر در میان زنان، امری نامیمون و مستلزم تعمق و چاره‌اندیشی است (شفیعی: ۱۳۸۳، ۳)

درک ذات یک پدیده، بویژه «زندانی بودن» برای زنانی که به جرم همدستی و معاونت در قاچاق مواد مخدر حبس شده‌اند، سرگذشت رسیدن به زندان، تجربه‌ی اولین دستگیری، احساسی که از حضور در زندان دارند، نوع ارتباط با هم‌بندی‌ها و حتی زندانبانان، تلاش برای گذراندن بی‌دغدغه و نگاه خاص به رنج‌های درونی زندان از فکر به آینده و فرزندان تا لحظاتی که باید در حبس تحمل کنند، مواردی است که باید در بررسی حقیقت جهان زندانیان مورد توجه قرار می‌گرفت.

پژوهش‌های متعدد نشان می‌دهد که زنان زندانی افرادی هستند که از نظر اقتصادی و اجتماعی به حاشیه رانده شده‌اند و تجربه قربانی شدن، سوء مصرف مواد مخدر، مشکلات سلامت روان و درگیری در روابط آسیب‌زا را با خود دارند (لاریجانی: ۱۳۹۹، ۷۶)

تلاش‌های زیادی در زندان زنان قرچک برای کاهش آسیب به «زنانگی» زندانیان صورت گرفته است اما توجه به علل وقوع جرم، به ویژه بازگشت مکرر به زندان و آسیب‌های ناشی از حبس، حین و پس از آزادی کمتر مورد توجه، بازبینی و چاره‌اندیشی قرار گرفته است و یا شاید خلأهای قانونی در این زمینه باید مورد تأمل ویژه قرار گیرد.

تغییرات احتمالی نقش‌های جنسیتی زنانه در طول دوران حبس، بالاخص سابقه‌ی دستگیری مکرر، بازگشت به زندان و میزان تأثیری که زندان بر حفظ و یا تغییر این نقش‌ها دارد جزو دغدغه‌هایی بود که با شناسایی عقاید، دیدگاه‌ها، نظرات یا تفسیرهای زندانیان و توصیفی که آنان از تجارب خود ارائه می‌کردند می‌توانست به جمع‌آوری مطالب روایی تجربی آنان بیانجامد.

مروری بر قوانین کیفری نشان می‌دهد که در ایران سیاست‌های تبعیض مثبت به نفع زنان متهم و مجرم وجود دارد و قوانین تصویب شده توسط قانونگذار کیفری به طور مطلق از ملاحظات

جنسیتی عاری نیست و در موارد خاص معیارهای دوگانه‌ای در خصوص مردان و زنان استفاده می‌شود (طغرانکار: ۱۳۸۶، ۹۱).

نظریه جرم‌شناسی فمینیستی به عنوان برجسته‌ترین دیدگاه برای تبیین بزهکاری زنانه مبتنی بر این پیش فرض کلی است که زنان به لحاظ ساختاری از وضعیت نامساعد و نامطلوبی در جامعه برخوردار هستند (رایت و ون واریس، ۲۰۱۲: ۱۸۸).^۱ از همین رو ماهیت بزهکاری زنان را باید در شرایط و اوضاع و احوال اجتماعی، اقتصادی و سیاسی مورد مطالعه قرارداد و خشونت شایع علیه زنان و وضعیت نامطلوب خانوادگی از حیث اقتصادی را همواره به عنوان پیش شرط اساسی برای هرگونه رفتار مجرمانه زنان در نظر گرفت.

اما با توجه به افزایش زنان زندانی مجرم، پاسخ‌گویی به نیازهای جنسیتی ضروری‌تر می‌شود زیرا محققانی چون کاوینگتون و فداک (۲۰۱۷)^۲ یادآور شده‌اند که اکثر برنامه برای زندانیان براساس نیازهای مردان طراحی و ارزیابی شده‌اند.

"داغ‌ننگ" گافمن^۳ به بررسی شکاف بین آنچه که یک شخص باید باشد یعنی «هویت اجتماعی بالقوه» و آن چه که عملاً هست یعنی «هویت اجتماعی بالفعل» می‌پردازد. هر شخصی که بین این دو هویتش شکافی افتاده باشد داغ‌خورده است. گافمن در واقع می‌خواهد بگوید که همه‌ی ما گه‌گاه و در برخی موقعیت‌ها هریک به نوعی از داغی رنج می‌بریم (ریتزر و داگلاس جی ۱۳۹۰: ۸۴).^۴

در بررسی تجربه زیسته در زندان پژوهش‌های اندکی وجود دارد یا اینکه بدون توجه به ذات پدیده‌ی زندانی بودن فقط بخشی از فرایندهای زندانبانی را مورد مطالعه قرار دادند. لاریجانی (۱۳۹۹) در پژوهشی تحت عنوان «ادراک تجربه حبس در میان زنان مجرم» با رویکرد پدیدارشناسی و تکنیک مصاحبه عمیق و نمونه‌گیری هدف‌مند از ۲۵ نفر از زنان زندانی، به بررسی خدمات زندان بانی و تأثیر آن بر زنان زندانی پرداخته است. یافته‌های پژوهش، تجربه زیسته زنان از ملاحظات جنسیتی را شامل حفظ و بازسازی پیوندهای خانوادگی، حفظ و بازسازی زنانگی در زندان، توجه به توانمندسازی جنسیت محور و سرگرمی و اوقات فراغت زنانه بیان می‌کند که بر اثر تکرارترین مقوله‌ها و در جهت پاسخگویی به نیازهای جنسیتی زنان تفسیر شده است.

1. A Salisbury Bauman, Wright, E, Van Voorhis

2. Covington, S. & Fedock, G

3. Goffman Erving

4. Ritzer. George & Douglas J. Goodman

هم چنین صادقی و میرحسینی (۱۳۹۶) در مقاله‌ای با عنوان «زندگی پس از زندان، چالش‌های بازسازی برای زنان» با ۹۸ زن ۱۳-۱۸ ساله آزادشده، مصاحبه‌های عمیق کیفی و پدیدارشناسانه انجام داده و تجربه زیسته آنها از پس از آزادی را مورد ارزیابی و تحلیل قرار داده است. یافته‌ها نشان می‌دهد بسیاری از این زنان، در زمینه مسائلی مانند پذیرش در خانواده و اتصال به شبکه‌های اجتماعی با چالش مواجه‌اند و آنان را مجبور کرده است به کمک شیوه‌هایی نظیر: سرپوش گذاشتن بر هویت مجرمانه، گمنامی و ناشناختگی، قطع شبکه‌های جرم‌زا و خلق شبکه‌های جدید، درگیری در فعالیتهای روزانه مانند اشتغال و مراقبت از فرزندان این چالش‌ها را در زندگی خود مدیریت کنند.

در پژوهش‌های خارجی نیز، پری (۲۰۲۰) ۱۵ خط سیر زندگی ۱۷ زن ژوهاسنبورگی را به تصویر می‌کشد که در زندان به سر می‌برند. یافته‌ها نشان داد که این افراد در زندگیشان قربانیان منفعلی بودند که شرایط محیطی آنها را مجبور به انجام جرم کرده است و درک اینکه چرا این زنان دست به این انتخاب زده‌اند، وابسته به بسترهای جنسیتی زندگی آنها داشته است که شامل هویت اجتماعی و فرهنگی جامعه مردسالار، خشونت و فقر تجربه شده است.

ون ورهیس^۲ و همکاران (۲۰۱۰) نیز در پژوهش خود پاسخگویی به نیازهای جنسیتی زنان مجرم را مطالعه کرده‌اند، توجه به ریسک فاکتورهایی همچون استرس والد بودن، حمایت اجتماعی، میزان تحصیلات، داشتن مسکن، داشتن مولفه‌های سلامت روان، حمایت خانواده از زندانی را در پاسخگویی به این نیازها موثر دانستند.

می‌توان گفت که در پژوهش حاضر، به صورت هدفمند به تنها زندان ویژه‌ی زنان در ایران وارد شده که لزوم توجه به تفاوت‌های جنسیتی را در آن دوچندان می‌کند و از زنان زندانی که سابقه‌دار بوده، مراجعات مکرر به زندان داشته‌اند و با جرم قاچاق موادمخدر که بیشترین آمار زندانیان زن را شامل می‌شود، مصاحبه عمیق صورت گرفته است. نگاه ویژه به «زندان زنان» متفاوت از «زندان مردان» و آسیب‌هایی که زندان بر هویت زنانه زندانیان می‌گذارد، موضوعی است که هیچ یک از مطالعات قبلی به آن نپرداخته است بالاخص که علاوه بر مصاحبه با زندانیان،

1. Parry, B. R
2. Van Voorhis Patricia

همنشینی با آنان و طی کردن ساعاتی از روز در محیط زندگی شان و حتی ارتباط با برخی از آنان پس از آزادی، کمک شایانی به تطبیق یافته‌ها با واقعیت داشت.

پژوهش حاضر، با نگاه ویژه به معنای زیسته‌ی تجارب در بین زندانیان زن و با توجه توأمان به وجوه خاص و عام شرکت‌کنندگان به ویژه شرایط خاص هر نمونه، سعی در روایتی ویژه از زندگی در زندان و تأثیر آن بر زندانیان زن دارد و هم چنین تلاش دارد به این سوال پاسخ دهد که : زنان زندانی چگونه با تجربه زندانی بودن خود مواجه می‌شوند و چه درکی از آن دارند؟

ملاحظات اخلاقی

با توجه به اینکه هدف تحقیقات پدیدارشناسی توصیف و بررسی تجربیات زیسته‌ی افراد شرکت‌کننده است، رعایت اصول اخلاق علمی از ضروریات بدیهی می‌باشد. از این رو، جهت رعایت مسائل اخلاقی، قبل از انجام هر مصاحبه در زمان انتخاب نمونه‌ها، در مورد هدف و مسیر انجام مطالعه و فضای سوالات و شیوه‌ی انجام آن به افراد توضیح داده و همچنین به اختیاری بودن شرکت در مصاحبه نیز تأکید شده بود. در انتها نیز با اعلام عدم افشای تجارب شرکت‌کنندگان و محرمانه ماندن اطلاعاتشان، و همچنین استفاده از اسامی نام کوچک، بدون نام خانوادگی برای تمام نمونه‌های انتخابی با انتخاب یک نام برای خودشان، اعتماد آنان نسبت به مصاحبه‌گر و فرآیند انجام مصاحبه جلب گردید.

در مقاطعی از تحقیق که مصاحبه‌شونده در بیان تجربه‌ای خاص احساس ناامنی داشت، مصاحبه‌گر با اعلام موضع بی‌طرفی و نداشتن قضاوت ارزشی سعی در تلطیف این حس ناامنی داشت. اما در زمانی که همچنان مصاحبه‌شونده متمایل به ابراز تجربه‌ی خود نبود از دریافت اطلاعات صرف نظر شد. این امر در چند مورد زمانی که از هم‌جنس‌گرایی صحبت شد رخ داد و مصاحبه‌شونده تمایلی به بیان تجربه‌ی خود نداشت.

روش‌شناسی پژوهش

پژوهش حاضر، یک پژوهش کیفی از نوع پدیدارشناسی است که از روش تحلیل مضمون برای داده‌ها استفاده شده است. در ابتدا ۲۰ مصاحبه عمیق و ساختاریافته با زندانیان زن محکوم مواد

مخدر در ندامتگاه زنان استان تهران معروف به زندان زنان قرچک صورت گرفت که به دلیل اینکه برخی مصاحبه‌شوندگان به خاطر افسردگی و یا اعتیاد، حوصله‌ی جواب‌های طولانی را نداشته و به جواب‌های بعضاً کلیشه‌ای اکتفا می‌کردند سه مصاحبه‌ی دیگر نیز انجام شد و علاوه بر آن شرایط مصاحبه با ۲ نفر دیگر که یکی از آنان از کارگران سخت‌کوش زندان بود و دیگری قاچاقچی داخل زندان که بقیه در مصاحبه‌ها از او به وفور یاد می‌کردند فراهم گردید که جمعاً به ۲۵ نفر رسید.

بیشترین فراوانی زندانیان در زندان زنان قرچک، محکومین مواد مخدر بودند و از نظر سازمان زندان‌ها، طبق سوابق پژوهش‌های قبلی، آنان برخلاف دیگر زندانیان در بندهای سرقت، قتل، فحشا و سیاسی به راحتی به قبول انجام مصاحبه تن خواهند داد و اینکه بنابر اظهارات ریاست محترم زندان^۱، اکثریت محکومین مواد مخدر جزو طبقات فقیر بوده و مورد سوء استفاده قرار گرفتند لذا ترغیب به تحقیق در خصوص این محکومین در پژوهشگر صورت گرفت.

در این پژوهش تلاش می‌شود که با نگاه پدیدارشناسانه به مطالعه تجربه حبس و ملاحظات جنسیتی زنان زندانی سابقه‌دار و حرفه‌ای که بالاترین میزان ارتکاب مجدد جرم و حضور مداوم در زندان را دارند پردازد و با آگاهی از تجربه‌ی زیسته‌ی آنان در این مکان و تأثیر زندان بر وجوه زنانگی‌شان و با هدف اصلی:

* بررسی تأثیر تجربه زندان بر معناسازی و درک زنان زندانی از هویت زنانه

و اهداف فرعی که شامل:

* فهم آثار تجربه زندان بر درک زنان از نقش‌ها و مناسبات خانوادگی خویش

* فهم آثار تجربه زندان بر درک زنان از ارزش‌های زنانگی و مناسبات قدرت جنسیتی در

جامعه است قدم‌های موثری بردارد و به این پرسش پاسخ دهد که:

زندانی سابقه‌دار یا حرفه‌ای زن (زندانی سریالی) یعنی چه؟ و چگونه زندان، جنسیت و

وجوه زنانگی زندانیان را تحت الشعاع قرار می‌دهد؟

۱- صغری خدادادی- مصاحبه حضوری ۱۴۰۰/۱۰/۱۶

تکنیک گردآوری داده‌ها

مصاحبه متداول‌ترین شیوهی جمع‌آوری داده در تحقیقات کیفی است. در این تحقیق با توجه به مبتدی بودن مصاحبه‌گر و به منظور حفظ کیفیت کار از مصاحبه‌ی نیمه ساختار یافته و عمیق برای هدایت طرح استفاده شده است. انتخاب و معرفی زندانیان برای مصاحبه به صورت روزانه انجام می‌گرفت، به دلیل اینکه ممکن بود به مرخصی یا به دادگاه برای رسیدگی به جرمشان رفته باشند و این مهم بر عهده معاونت حقوقی زندان بود که با توجه به سابقه و نوع جرم که مدنظر این پژوهش بود از آنان رضایت‌نامه گرفته می‌شد تا بتوان با آنان مصاحبه کرد.

روند انتخاب زندانی و اخذ رضایت‌نامه، برای هر نفر، حداقل نیم ساعت در روز با توجه به زمان پیچ کردن آنان، عبور از گیت‌ها و بازرسی‌های بدنی تا رسیدن به اتاق مصاحبه، سپس توجیه و توضیح این پژوهش زمان می‌برد و گاهی اتفاق می‌افتاد که پس از توضیحات، زندانی تمایل به همکاری ندارد و اگر اعلام همکاری نماید، ۲ ساعت زمان لازم بود تا از ایشان مصاحبه شود.

در چندین مورد با همکاری مددکاری زندان از مطالعه پرونده‌های آنان برای صحت سنجی گفتارشان استفاده شد.

در فرآیند مصاحبه، پژوهشگر در مقام یک مشاهده‌گر همدل، حداقل راهنمایی را در مسیریابی بحث انجام داده است. هم چنین پیام‌های غیرکلامی و کنش‌های معنادار بدن، و نحوه‌ی پوشش و ظاهر افراد، بالا و پایین شدن‌های معنادار کلامی و سکوت‌ها و تاکیدهای قابل توجه را جهت استفاده در مرحله‌ی توصیف و تحلیل پدیدارشناسی در کنار گفتارشان مورد توجه قرار گرفت. بیان همدردی با تجارب مصاحبه‌شوندگان و حتی بیان برخی تجارب شخصی پژوهشگر، برای ترغیب مصاحبه‌شوندگان و جلب اعتماد بیشتر آن‌ها از جمله استراتژی‌های مورد استفاده در انجام مصاحبه‌ها بوده است. هم چنین در برخی شرایط محقق با سکوت خود مشارکت کنندگان را تشویق به صحبت بیشتر می‌کرد تا با قطع سخنان آن‌ها موجب از دست رفتن رشته کلام نشود و این همان چیزی است که ون منن^۱ از آن تحت عنوان "سکوت معرفت‌شناسانه"^۲ یاد می‌کند. (حاجی بابایی و نواب: ۱۳۹۵، ۸۴)

1. Ven Manen. M

۲- سکوتی که انسان را به بیان ناگفتنی‌ها تشویق می‌کند.

در مواردی نیز که مصاحبه شونده در ابراز نظر و تجربه‌ی خود دچار حس تردید یا خجالت می‌گشته است، محقق با بیان تجربیات و نظر دیگر مددجویان که با آن‌ها مصاحبه کرده بود و اطمینان به اینکه او تنها کسی نیست که این موضوع را مطرح کرده است، راه را برای القاء حس امنیت و سخن گفتن مخاطب خود هموار می‌نمود.

دقت و صحت پژوهش

در تحقیق حاضر پژوهشگر در دو مرحله ذهنیت شخصی و پیش فرض‌های خود را به حالت تعلیق درآورده و این کار نخست در فرآیند انجام مصاحبه با افراد و پیاده سازی متون آن، و در گام بعدی در بخش یافته‌ها صورت گرفته است. تا پژوهشگر بتواند از تأثیر مستقیم ذهنیت خود طی جمع آوری و تحلیل داده‌ها جلوگیری نماید و برای افزایش اعتبار کار، آنچه را به طور بی واسطه از میدان تحقیق به دست آمده است برای فهم چستی این پدیدار استفاده نماید. با استفاده از روش پدیدارشناسی و طی یک مصاحبه‌ی نیمه ساختاریافته می‌توان به درک و بینش فرجه و عمیق تری از معنای پدیدار «زندانی زن» رسید از این رو سوالات مصاحبه با محوریت تجربیاتی که زندانیان داشتند صورت گرفته است و مصاحبه‌شوندگان در بحث با توجه به شاخص‌های منحصر به خود هر کدام این توانایی را دارند که داده‌های مناسبی را درباره‌ی این تجربه در اختیار پژوهشگر قرار دهند. از این رو با استناد به نظر گئورگی (۱۹۷۹)^۱ یکی از بنیان‌های مستحکم قابلیت اعتماد در یافته‌های تحقیق تقلیل پدیدارشناسی است (به نقل از محمدپور، ۱۳۸۹) چهارچوب مفهومی کار در فرآیند انجام مصاحبه‌ها وارد نشده است و جریان مصاحبه با توجه به گفته‌های خود مصاحبه‌شوندگان پیش رفته است. همین درستی اعتبار یافته‌ها بنا به نظر لینکولن و گوبا^۲، تایید خود مصاحبه‌شوندگان است (کرسول، ۱۳۹۴)^۳ از این رو بعد از پیاده سازی و فرآیند استخراج تم از میدان، به صورت تصادفی نتایج استخراج شده به صورت کلامی با دو تن از زندانیانی که در مصاحبه‌ها شرکت کرده بودند و شامل عفو شد و آزاد شده بودند در میان گذاشته شد و از آنها سوال شد که آیا این نتایج، نظر و تجربیات آنها را تایید می‌کند یا خیر.

1. Giorgi. A
2. Guba. E. G. & Lincoln. Y . S
3. Creswell. John W

نشریه فرهنگی تربیتی زنان و خانواده

جدول ۱. اطلاعات جمعیت‌شناختی مشارکت‌کنندگان

| زندان | تحصیل | مجرد / متاهل / مطلقه | تعداد فرزندان | میزان ساقه | سن ازدواج | تعداد ازدواج |
|---------------|-----------------------------|-----------------------|---------------|----------------|-----------|---------------------------|
| زهرا ۲۲ سال | سکول | مطلقه | ۱ فرزند | ۴ یار | ۲۹ سال | ۱ بار عقد دائم |
| مریم ۳۳ سال | دانشجوی انصرافی حقوق زندانی | متاهل شوهر زنده | ۳ فرزند | ۴ یار | ۱۳ سال | ۲ بار (۱ بار دائم ۳ صیغه) |
| سمیه ۳۸ سال | سکول | مطلقه | ۴ فرزند | ۹ یار | ۱۱ سال | ۳ بار (۱ بار دائم ۲ صیغه) |
| مهناز ۳۳ سال | انصاف | مطلقه | ۴ فرزند | ۴ یار | ۱۳ سال | ۴ بار (۳ بار دائم ۱ صیغه) |
| فرزانه ۲۸ سال | اول راهنمایی | مطلقه | ۱ فرزند | ۳ یار | ۱۴ سال | ۱ بار عقد دائم |
| زینا ۳۸ سال | سکول | مطلقه | ۱ فرزند | ۵ یار | ۱۶ سال | ۲ بار (۱ بار دائم ۱ صیغه) |
| مقصومه ۲۲ سال | تم | بیوه | ۱ فرزند | ۶ یار | ۲۰ سال | ۱ بار دائم |
| فاطمه ۵۹ سال | هتم | بیوه | ۳ فرزند | ۳ یار | ۱۴ سال | ۵ بار (۳ بار دائم ۲ صیغه) |
| یرسا ۲۷ سال | سکول | مجرد | - | ۳ یار | - | - |
| میترا ۳۷ سال | سکول | مطلقه | ۲ فرزند | ۲ یار | ۱۵ سال | ۱ بار دائم |
| ماریال ۴۵ سال | سکول | مطلقه | ۴ فرزند | ۲ یار | ۱۵ سال | ۳ بار (۱ بار دائم ۲ صیغه) |
| نرگس ۳۸ سال | ابتدایی | متاهل شوهر زندانی | ۲ فرزند | ۳ یار | ۲۰ سال | ۱ بار دائم |
| اکرام ۴۲ سال | سکول | مطلقه | ۱ فرزند | ۳ یار | ۱۴ سال | ۱ بار عقد دائم |
| اکرم ۴۵ سال | ابتدایی | مطلقه | ۴ فرزند | ۳ یار | ۱۵ سال | ۲ بار هر دو عقد دائم |
| فرشته ۳۸ سال | ابتدایی | مطلقه | ۳ فرزند | ۶ یار | ۱۳ سال | ۲ بار هر دو دائم |
| عباس ۶۱ سال | سکول | متاهل (بیوه) | ۴ فرزند | ۴ یار | ۱۴ سال | ۱ بار عقد دائم |
| مژگان ۲۸ سال | دیپلم | متاهل (شوهر زندانی) | ۱ فرزند | ۱ یار | ۱۸ سال | ۱ بار عقد دائم |
| شهره ۳۲ سال | دیپلم | مطلقه | ۱ فرزند | ۲ یار | ۱۸ سال | ۱ بار عقد دائم |
| زهرا ۳۳ سال | سکول | مطلقه | ۴ فرزند | ۴ یار | ۱۲ سال | ۳ بار (۱ بار دائم ۲ صیغه) |
| دنیا ۲۶ سال | بیوسد | متاهل (شوهر خیانتکار) | ۲ فرزند | ۳ یار | ۱۴ سال | ۲ بار (۱ بار دائم ۱ صیغه) |
| مرجان ۲۹ سال | سکول | مطلقه | ۱ فرزند | ۷ یار | ۱۷ سال | ۱ بار عقد دائم |
| فریده ۴۱ سال | در حدائق یا | متاهل (شوهر زندانی) | ۲ فرزند | ۲ بار - اعمامی | ۲۲ سال | ۱ بار عقد دائم |
| فرحناز ۳۵ سال | ۵ کلاس | متاهل (شوهر زندانی) | ۲ فرزند | ۲ بار - اعمامی | ۲۴ سال | ۱ بار عقد دائم |
| فاطمه ۳۲ سال | بیوسد | مطلقه | ۳ فرزند | ۵ یار | ۱۴ سال | ۲ بار (۱ بار دائم ۱ صیغه) |
| سحر ۳۶ سال | دانشجوی اخراجی | متاهل | ۱ فرزند | ۲ یار | ۱۲ سال | ۲ بار هر دو دائم |

یافته‌های پژوهش

داده‌های حاصل از مشاهدات طولانی و مصاحبه‌های انجام شده با بیست و پنج نفر از زنان زندانی در خصوص تجارب آنان از زندان و شیوه مواجهه و ادراک آن‌ها نشان‌دهنده سه مضمون غالب: دگرگونی زنانگی، زوال و از دست دادن نقش‌ها، ائتلاف فرودستی و هم دستی است که در ادامه به معرفی و تشریح آن‌ها خواهیم پرداخت.

۱- دگرگونی زنانگی

زنانگی به مجموعه‌ای از ویژگی‌ها، رفتارها و نقش‌ها گفته می‌شود که به طور کلی با زنان و دختران مرتبط است و صفاتی نظیر ملامت، همدلی، حساسیت، فروتنی، لطافت، زیبایی و مانند آن را شامل می‌گردد. این زنانگی در زندان دگرگون می‌شود و با رفتارهای مردانه‌ای نظیر: قلدری، تهدید، کتک کاری، رفتارهای خشن در کنار تغییرات ظاهر، پوشش و حتی صدای آنان و حتی تغییر عادات جنسی زندانیان و کارگری سخت که باعث زمختی آنان و رفتارهای مردانه مواجه می‌شویم.

۱.۱: گرایش به مردانگی

موهای کوتاه پسرانه، نوع پوشش، لحن صحبت و نحوه راه رفتن بویژه حالت بالا انداختن شانه‌ها و پراتنزی دست‌ها، در بین زندانیان قابل تأمل بود و تقلید حرکات مردانه را نشان می‌داد. در زندان، «قدرت» و شیوه اعمال آن، برای یک زندانی و در ارتباط با سایر زندانیان نقش تاثیرگذار و تعیین کننده‌ای دارد. قدرت در زندان با طول مدت حبس و شناخته شدگی، همچنین ویژگی‌های منحصر به فرد متهم نظیر: نوع جرم، ویژگی‌های فیزیکی، جنه، توانمندی مالی، رفتار، ویژگی‌های شخصیتی، پول، سن و... ارتباط بسیار زیادی دارد. از این رو، قدرت در زندان برای بعضی از زنان شرایط لذت بخشی را مهیا می‌کند که امکان دستیابی به آن در جهان بیرون تقریباً غیر ممکن است.

برخی از زندانیانی است که با نوچه پروری، در زندان حکومت می‌کند و داشتن کارگر شخصی را جزوی از افتخاراتشان می‌دانند. سابقه‌دارها اکثراً گرایش به «مرد بودن» و رفتارهای مردانه دارند. از لحظه‌ی ورودشان با داد و بیداد وارد بند می‌شوند و از بین تخت‌های سه طبقه، طبقه‌ی اول را به زور برای خودشان انتخاب می‌کنند، اسکان در طبقه‌ی دوم یا سوم برای یک سابقه‌دار کسر شأن محسوب می‌شود و اگر یک تازه وارد با آنها درگیر شود با تهدید و ارباب او را مجبور به تمکین می‌کنند. دعوا برای قدرت نمایی، گُری خوانی، تهدید و زورگویی از مشخصه‌های اکثر سابقه‌داران است که خود را «بابای زندانیان» می‌دانند و از ظاهر آنان کاملاً قابل تشخیص‌اند.

زنانگی در چرخه زندان، زُمخت می‌شود و این «زنانگی گم شده» در حالات و رفتار سابقه دارها بیش از تازه واردها نمود دارد. تازه واردها با سابقه دارها متفاوتند. آنها هنوز با محیط خشن زندان آشنا نشدند و خلیقات زنانه شان عوض نشده است و دچار نوعی استیصال به دلیل ناآشنایی با فضای زندان در موقع ورود هستند.

بعضی از سابقه دارها برای اینکه قلدری خودشان را اثبات کنند یکی از افتخاراتشان را کتک کاری می‌دانند. چیزی که در بین مردان بیشتر رواج دارد. تهدید کردن هم از جمله حربه‌هایی است برای قدرت‌نمایی و پیشگیری از گزارش دادن خلاف‌ها به مسئولین. برخی زندانیان معتقد است در زندان باید کور و کر و لال باشی تا بتوانی دوام بیاوری.

سابقه دارها بقیه را تیغ می‌زنند و مدعی اند که کم از مردان ندارند و کسی قدرت رویارویی با آنان را ندارد و بقیه را مجبور به باج دادن به آن‌ها می‌کند. تهدید سابقه دارها گاهی به آنجا می‌رسد که برخی از کسانی که برای مرخصی به بیرون از زندان می‌روند را درقبال پول هنگفت، مجاب به جاسازی مواد در رحم شان می‌کردند که بتوانند به راحتی در زندان به فروش مواد پردازند و چون در گذشته با جاسازی مواد در معده، کنترل‌کنندگان ورودی زندان، متوجه می‌شدند، رحم بهترین مکان برای قاچاق مواد بود که البته بسیار هم خطرناک است بالاخص با آب بندی ناقص آن.

«اکرام سابقه دارها» و «حکمرانی پول» دو مفهوم تعیین‌کننده در زندان است که بقیه باید مطیع آنان باشند و هوای آنها را داشته باشند تا بتوانند زندگی کنند و آسوده باشند. از تبعات مهم منفی زندان برای زنان، طرد خانوادگی و طرد اجتماعی است که اولین جنبه عینی آن در ارتباطات خانوادگی در زندان آشکار می‌شود و با عنوان «زندانی بی‌ملاقاتی» می‌توان از آن نام برد. مهم‌ترین پیامد بی‌ملاقاتی بودن بروز بیماری‌های جسمی و روحی، افسردگی، انزوا، برقراری ارتباط ناسالم با سایر زندانیان است.

می‌توان گفت که شاید نداشتن ملاقاتی و لزوم پُر کردن تنهایی‌ها از یک سو و زُمخت شدن زنانگی در زندان بویژه برای زندانیان سابقه‌دار که مدت بیشتری را در زندان بسر می‌برند و بیشترین تغییر عادات زنانه را داشتند در نهایت لذت بخشی از «قدرت» یا به قول برخی، «پادشاهی سابقه

دارها» که نشان از میل به قدرت است آنان را به سوی «مرد شدن» تشویق می‌کند و اولین اقدام در این میان، کوتاهی موی، تغییر پوشش و کلفتی صدایشان است.

۱,۲: گرایش به هم جنس

صادقی و همکارش یکی از مسائل مهم زندگی در زندان را تعاملات زندانیان و تشکیل شبکه‌های ارتباطی، گروه‌ها و باندهای داخل زندان می‌داند. او یکی از شبکه‌های مهم ارتباطی و تعاملی در زندان را «شبه خانواده‌ها» می‌داند که معمولاً تحت تأثیر گرایش به هم جنس و با تقلید و جعل جریان زندگی در ساحت اصلی جامعه و زندگی خانوادگی شکل گرفته و حتی ممکن است موجب ترس و نگرانی برخی زندانیان شود. (صادقی و میرفسایی: ۱۳۹۳، ۳۴۲-۳۶۲)

سابقه‌دارها، بیشترین تغییر عادات زنانه و سعی در تغییر شباهت ظاهری شان به مردها را دارند و از سویی به دنبال زوج هم جنس که دارای خصوصیات زنانه‌ی بیشتری بود می‌گردند. معصومه از اولین باری که وارد زندان شده بود و موهای بلند فرفری‌اش برای یکی از آن‌ها، جلب توجه کرده بود صحبت می‌کرد:

"تازه وارد بودم، یه نفر بود به اسم "مریم آرش" از من خوشش آمده بود، گفت: دوست من میشی؟ منم گفتم: آره. گفت: نه منظورم اینه شخصاً مال خودم باشی، موهاش فرفریه قشنگه، میخوام زنم بشی. خیلی ترسیدم با اینکه موهامو دوست داشتم اما با اشک و ناله کوتاهشون کردم، به خاطر اینکه کسی کاری به کارم نداشته باشه. اینجا اگه موهاش کوتاه باشه، مرد میشی، بلند باشه زن میشی"

بنابراین ترس از این زنان مرد نما، یکی از ترس‌های معمول در زندان است. چون شبیه مردانند، قلدر، یک کلام، خشن و حتی نیاز به یک «زن» دارند و به قول خودشان می‌توانند حامی آن زن شوند و گاهی برای اینکه زن مرد نما، دیگری، به زن او نگاه می‌کند حتی در زندان دعوا به پا می‌شود.

میترا از جمله کسانی است که از صبح تا شب بیرون از بند کار می‌کند و برای فرار از این افراد ترجیح می‌دهد که داخل بند نباشد، او از خواستگاری یکی از آن‌ها برای خودش هم صحبت کرد:

"اینجا بعضی‌ها میگن ما مردیم دنبال زن میگردن، اتفاقاً توی بند یکی ازم خواستگاری کرد، ترسیدم. از وکیل بند خواسته بود که ازم خواستگاری کنه، تا حموم که می‌رفتم یکی رو نگه می‌داشتم به خاطر اینکه اذیت میشدم، آدم کمرش بشکنه اسمش نشکنه." " از سوئی در زندان قرچک، مکان‌هایی برای ملاقات زناشویی (ملاقات شرعی) در نظر گرفته شده است که به زندانی اجازه داده می‌شود با ملاقات کننده خود، که در بیش تر موارد همسر قانونی وی می‌باشد، در یک اتاق برای چند ساعت تنها باشند و مجاز است با همسرش رابطه جنسی برقرار کند. اما زنان زندانی اکثراً مطلقه و یا با ورود به زندان حکم طلاقشان آمده است و به تبع آن استفاده از این مکان بسیار کم است.

آنها اکثراً دچار گسست خانواده و مورد سوءاستفاده‌ی همسرانشان بودند. زندگی با ناپدری و یا نامادری، فقر و کار مداوم روزانه از کودکی، «کودک همسری» و «کودک مادری» در شرایطی که خودشان هنوز نیاز به کودکی کردن و محبت داشتند و گاه «کودک مطلقه‌ای» باعث افزایش نیاز به محبت و سرپناه در آنان بود که به خاطر «داغ ننگ» بر پیشانی شان، امید به ازدواج سالم در خارج از زندان نداشتند و به روابط ناسالم در زندان روی آورده بودند.

از دیدگاه صادقی و همکارش فراوانی گرایش به هم جنس بیشتر در بین اعدامی‌هایی بود که امید به بازگشت به زندگی و آزادی در بین آنها وجود نداشت و با تشکیل «شبه خانواده» گذران عمر می‌کردند اما در پژوهش حاضر، این گرایش به هم نوع، در بین سابقه داران شیوع داشت و آنها الزاماً اعدامی نبودند و حتی امید به آزادی داشتند و این گرایش نه بخاطر اختلال روانی و یا عدم امید به آزادی آنان بود، بلکه گرایش به همنوع، برای نشان دادن تنفر آنان از جنس مردان، تلاش برای جذب حامی و فراموش کردن طعم تلخ طلاق، هم زمان با ایجاد تنوع در روابط داخل بندها، در آمدن از یکنواختی‌های روزانه و نیاز جنسی بود، که گاه با نام «خاله بازی» مطرح می‌کردند که یکی در این بازی نقش مردانه داشت و دیگری نقشی زنانه. یکی با موی کوتاه و دیگری با موی بلند. فرحناز، یکی از زندانیانی بود که بی‌کسی و نیاز به تکیه گاه را عامل این ارتباط می‌دانست اما زهرا، بیکاری، روزمرگی و ایجاد تنوع را عامل هم جنس گرایی می‌دانست. " از بیکاری شدیم مثل بچه‌ها، شوهر که نداریم برای همین خاله بازی می‌کنیم. یکی زن، یکی مرد"

۱,۳: کارگری سخت

کارهایی که نیاز به فعالیت‌های جسمانی زیاد دارد سبب آسیب‌های ماندگاری در زنان می‌شود در زندان، کسانی کارگری می‌کنند که واریزی ندارند و نیاز به پول برای خرید مایحتاجشان دارند و این موضوع به طرد خانوادگی آنان و عدم ارتباط با وابستگان و یا فقر خانواده شان باز می‌گردد. اکرام از جمله کسانی است که کارگری دیگران را می‌کند و این کارگری مداوم در جسم و حتی روحیه و رفتارشان کاملاً مشهود است. وقتی در حال مصاحبه با او بودم یک دفعه نگاهش به اطراف اتاق افتاد و چون اتاق را کثیف دید شروع کرد به فحش دادن، او کمرش از این کارگری مداوم آسیب جدی دیده است

هر سالن دارای چند کابین یا اتاق است و در هر کابین حداکثر ۱۰ نفر زندگی می‌کنند. زندانیان روزانه باید کابین را تمیز کنند، کسانی که پول ندارند به عنوان کارگر، مسئول تمیز کردن کابین‌ها، سالن اصلی، هواخوری و سرویس‌های بهداشتی می‌شوند و در ازای آن برایشان از بوفه، مواد غذایی و سیگار می‌خرند و یا به ثمن کارت شان پول واریز می‌کنند. فاطمه یکی از این کارگران است که همراه با بقیه، سرویس‌ها و سالن را نظافت می‌کند، سالی که بیش از ۱۰۰ نفر تردد دارند، مراعات یکدیگر را در تمیزی نمی‌کنند و روزانه دوبار سرویس‌های بهداشتی‌اش نیاز به نظافت دارد که این حجم از کار، باعث کاهش آستانه تحمل کارگران، تهدید، فریاد و فحاشی آنان می‌شود.

برخی زندانیان نیز در آشپزخانه کار می‌کنند، کار در آشپزخانه زندان بسیار سخت است و آشپزی روزانه، دو وعده، برای نزدیک به ۱۰۰۰ نفر بسیار طاقت فرساست، اما هیچ کدام از این کارها به پای سختی کار ی‌دی نمی‌رسد که باعث خشن شدن زندانیان شده است. بعضی کارگران نه فقط برای مایحتاج خود بلکه برای نیازهای فرزندانشان که در بیرون از زندان هستند کارگری می‌کنند. مرجان یکی از زندانیانی است که برای مداوای فرزندش نیاز به پول دارد و به سختی از صبح تا ۱۱ شب کار می‌کند:

"یک روزم در زندان اینطوریه که از صبح بلند میشم آسایشگاه پرسنل کار می‌کنم. جارو، پذیرایی، ظرف می‌شورم، گردگیری، تا ساعت دو و نیم. بعدش میرم انبار مرکزی تا ساعت ۶. از

هفت و نیم صبح تا ۱۱ شب کار می‌کنم. ده و نیم خاموشیه. موقعی که بچه‌ها خوابند می‌زنم بیرون، موقعی که برمی‌گردم داخل بند، شب همه خوابیدن، بعضی از بچه‌ها میگفتن فکر کردیم رفتی" کارگری مداوم و یدی، از زنانگی کارگران کم کرده و روحیه‌ی خشنی به آنها داده است از سویی دیگر خستگی از کار زیاد آنها را از پای درآورده به طوری که نرگس در خلال مصاحبه، از زمان ناکافی‌اش برای مصاحبه صحبت و کارهای عقب افتاده‌اش را یادآوری می‌کرد. او دست‌های زخم‌ت کارگری‌اش را به من نشان داد و از روحیه پرخاشگری که به خاطر کار زیاد به آن مبتلا شده بود. او از جمله کسانی است که «شیفت شب» کار می‌کند یعنی باید تا صبح بیدار باشد تا کسی از تخت نینفتد و یا برای نماز صبح بیدارشان کند و این از جمله سخت‌ترین کارهاست. بعضی هم مثل فاطمه، تنها نکته مثبت کار مداوم را بی‌هوشی از خستگی زیاد می‌دانند.

۲- زوال و از دست دادن نقش‌ها

طرد اجتماعی و خانوادگی زندانیان باعث از دست دادن نقش‌های آنان می‌شود. در انزوای اجتماعی برای سختی‌های یافتن شغلی آبرومندانه، آزار همسایگان، عدم شانس برای ازدواج مجدد و به دنبال آن نداشتن مقبولیت در بین خانواده بویژه فرزندان و گاه عدم ملاقات آنان و یا پنهان کردن فرزندان توسط خانواده‌ی همسر و سختی‌ها و مشقت‌های ملاقات با خانواده و در نهایت به چرایی تکرار و بازگشت به جرم با واکاوی موضوعات فقر، وسوسه، گردن گرفتن‌ها و باج دادن‌ها بالاخص بخاطر فرزندان از نکات قابل تامل در این مقال است.

۲،۱: انزوای اجتماعی

انزوای اجتماعی از جمله پیامدهایی است که پس از آزادی از زندان، گریبان گیر زنان خواهد بود و باعث از دست دادن نقش‌های فردی و اجتماعی شان می‌شود که تلاش برای به دست آوردن مجدد آن بسیار سخت خواهد بود.

قاسمی روشن در تحقیقی جنبه‌های مختلف پیامدهای اعتیاد در زنان را بررسی نمود، پیامدهای فردی شامل: ابتلا به بیماری‌های جسمی، روانی، پیامدهای خانوادگی شامل: کاهش فرصت ازدواج، طرد از خانواده، عدم ایفای نقش مادری، ایجاد نسل معتاد، عدم نظارت بر رفتار

فرزندان و پیامدهای اجتماعی شامل: ارتکاب انواع جرایم اموال و اخلاق مانند: روسپیگری، دزدی و... (قاسمی روشن، ۱۳۸۰: ۱۳)

نداشتن و یا کم‌رنگ شدن شانس ازدواج یکی از عوارض انزوای اجتماعی است. اکرام از جمله زندانیانی بود که به ازدواج فکر می‌کرد و آن را امری تقریباً محال می‌دانست، مریم هم معتقد است که با رفتن بسمت اعتیاد شانس برای ازدواج موفق نخواهد داشت و فقط با یک معتاد دیگر می‌تواند زندگی کند.

همسایگان از جمله کسانی هستند که چنانچه از زندانی بودن کسی مطلع شوند، شرایط زندگی را برای او تلخ و گاه باعث نقل مکانش به جایی دیگر می‌شوند. شهره که صاحب خانه‌اش او را اذیت کرده بود از اینکه او را وادار به تخلیه کرده بود با ناراحتی یاد می‌کرد. گاهی این تنگناها آنقدر فشار وارد می‌کند که از بسیاری از خواسته‌هایشان می‌گذرند، اکرم به خاطر حرف‌های دیگران چندین سال است که بر سر مزار فرزندانش نرفته است و دلش غمگین است:

"وقتی مریم مرخصی فقط بچه‌هامو می‌بینم. فقط پیش بچه‌هامم. همسایه‌ها خوششون نمیاد میدونن من زندانم. فامیل هم همینطور. ۳ ساله نتونستم برم بم سر خاک بچه‌هام."

در محیط‌های کوچک شرایط سخت‌تر نیز خواهد شد به ویژه برای فرزندان. ملامت‌هایی که به خاطر زندانی بودن مادر متحمل می‌شوند آسیب‌های عدیده‌ای بالاخص در آینده، برای آنان مترتب خواهد شد. فرحناز از شرایط پسرش در روستا و اینکه اگر موضوع زندانی شدنش را بفهمند چه عواقبی برای فرزندش دارد صحبت می‌کرد. رفتن از محله‌ای که در آن دستگیری اتفاق افتاده و تلاش برای زندگی آبرومندانانه در محله‌ای دیگر که زندانیان را شناسند از دیگر دغدغه‌های این زنان است، مژگان از جمله کسانی بود که از همسایگان خجالت می‌کشید و می‌خواست دیگر در آن محل نباشد. در این میان، زنانی بودند که همسرانشان نیز در زندان بسر می‌بردند و نگاه‌های همسایگان و حرف‌هایی که می‌گفتند برایشان قابل اعتنا بود، مریم از این ترس‌ها و نگرانی‌ها صحبت کرد:

"شوهرم که زندان بود جرات نداشتم رژلب بزنم، همسایه‌ها برام حرف درمی‌آوردن، به جور دیگه نگاه میکردن. من با مردم زندگی نمیکنم، برای اونا زندگی نمیکنم اما حرفاشون را هم نمی‌تونم عوض کنم، بالاخره داریم بین همونا زندگی میکنیم"

تلاش برای یافتن کاری که نیاز به گرفتن سوء سابقه نداشته باشد بسیار دشوار است، این زنان بیشترین ترس را از « داغ ننگی» که بر پیشانی شان خورده دارند که نتوانند کار مناسبی پیدا کنند و بسمت خلاف بروند. حتی نگرانی از قاچاقچیبانی که آنان را می‌شناسند و با هزار ترفند و وسوسه منتظر آزادی شان هستند تا شکارشان کنند، همه‌ی اینها اضطراب‌های زیادی را برای زندانیان به همراه داشت و گاه امید به آزادی جای خود را به ترس از آزادی می‌داد. پس از آزادی، از عدم قبول خانواده، تا کار مداوم برای تن ندادن به اعتیاد و یا حتی ترس از نگاه مردان، مواردی است که شهره از آنها پرده‌برداری کرد.

بررسی‌های به دست آمده از مقاله صادقی فسایی و میرحسینی (۱۳۹۶) نشان داد که هر چه میزان ناشناختگی و گمنامی زنان زندانی در شبکه‌های اجتماعی گروه‌های خانوادگی یا همسایگی سابق یا کنونی بیشتر باشد به همان نسبت ممکن است احتمال موفقیت شان در آینده افزایش یابد در حالی که آشکار شدن سابقه ارتکاب جرم و تغییر نگاه اطرافیان یکی از مهم‌ترین چالش‌های زندگی این زنان است ارتباط چندانی نیز با نوع جرم و سابقه ندارد (صادقی فسایی و میرحسینی، ۱۳۹۶: ۴۸) با توجه به این مطالب یکی از مهمترین استراتژی‌های زنان، مدیریت داغ ننگ، پنهان نگه داشتن سابقه جرم و گمنامی است و گافمن این فرآیند را «سبک پوشش گذاری» می‌نامد (گافمن، ۱۳۸۶: ۱۳۲).

۲،۲: عدم مقبولیت خانوادگی

مقبولیت زنان زندانی بویژه برای فرزندان شان بسیار حیاتی است و اگر این اتفاق نیفتد احساس تحقیر و سرخوردگی در آنان افزایش خواهد یافت. رویارویی با فرزندان و اینکه آیا آنان پذیرش چنین مادری را دارند؟ ترس از آینده‌ی فرزندان، بعنوان فرزند یک زندانی و یا حتی آینده‌ی شغلی آنان. همچنین فکر به سختی‌های بیرون از زندان مثل نداشتن پول، آوارگی، اضطراب در اجاره‌ی منزل و نگرانی از داغ ننگی که به پیشانی شان خورده و آدم‌هایی که منتظرند تا آنها را بعنوان یک زندانی به بقیه نشان دهند، از مسائل قابل تأمل زندانیان پس از آزادی است. زن مجرم که دوران زندانش را گذرانده است مورد اعتماد فرزندان نیست، خود این زنان گمان دارند که جایگاهشان را نزد فرزندان شان از دست داده‌اند و از این موضوع رنج می‌برند. در

دیدگاه فرزندان‌شان مورد اعتماد نیستند آنها اعتماد به نفس خود را به عنوان مادر در مواجهه با فرزندان‌شان از دست دادند، قدرت نهی آنها از اشتباهاتشان را ندارند، دائماً در معرض رویارویی و آشکار شدن با گذشته‌شان قرار دارند، مفهومی که رابرت مرتون از آن با عنوان ترس از آشکار شدن داغ پنهان نام می‌برد به شدت در میان زنانی که دوران محکومیتش آن در زمان کودکی فرزندان‌شان بوده دیده می‌شود، این زنان محرم راز و سنگ صبور فرزندان‌شان نیستند و از این موضوع در عذابند. به نظر می‌رسد از دیدگاه ایشان فرزندان‌شان جانشین الگوی مادر را از میان افراد دیگر خانواده و دوستان انتخاب کردند و از این موضوع رنج می‌برند (ابراهیمی و همکاران، ۱۳۹۵: ۲۴)

پنهان کردن مشکلات فرزندان از مادرشان حتی اگر به خاطر آزار کمتر آنان باشد برای زندانیان ناخوشایند است و آن را جزو ضعف خودشان می‌دانند و احساس می‌کنند که دیگر تکیه گاه مطمئنی نیستند. اکرم در رابطه‌ی خود با دخترش به این موضوع اشاره می‌کند اما مهین که یکی از بزرگترین سابقه داران و حبس سنگین‌های زندان بود می‌گفت که فرزندان‌ش او را قبول دارند و حتی در تماس‌های تلفنی از او راهنمایی می‌خواهند ولی شرم و خجالت از فرزندان او را تا مرز افسردگی رسانده است:

"بچه‌هام به عنوان مادر قبولم دارن چون میدونن چقدر بدبختی کشیدم، از همون اول باید طلاق می‌گرفتم با این مرد زندگی نمی‌کردم. دو ماه یکبار میرم مرخصی، خونه‌ی بچه‌هام کم میرم، خیلی معذبم، من با کسی حرف نمیزنم وقتی میرم مرخصی بچه‌هام میگن ماما حرف زدن یادت رفته؟ میگم دیگه حرفی برای گفتن ندارم. باور میکنی ازشون شرم دارم؟"

طرد خانواده در اولین ورود به زندان کم رنگ‌تر است اما با افزایش سابقه، این طرد و جدایی از خانواده و فرزندان بیشتر خواهد شد. شهره از اولین ورود به زندان و دفعات دیگر صحبت کرد، اولین باری که پدر پشتیبانش بود و دفعه‌ی دیگری که پدر سراغش هم نگرفته بود. فشار دوری از فرزندان و اجازه‌ی ندیدن آنان از سوی خانواده‌ی همسر که با بدگویی از مادر همراه است یکی از آزاردهنده‌ترین احساساتی است که زنان در بند دارند، زهرا علیرغم تیرنه شدن از قتل همسرش اما خانواده‌ی همسر با اجازه ندادن برای دیدار او با فرزندان‌ش خاطرات بدی را در ذهن او به یادگار گذاشتند.

احتیاج به حضور فرزندان و گله از بی‌وفایی آنان و حتی حسرتِ نبودن در عروسی آنان از جمله نکات قابل تأمل در شرح حال این زندانیان بود. زهرا از این دردها گفت و سمیه هم از جوابگو نبودن دخترش و عدم تماس پسرش می‌گفت و اینکه چقدر اینکار باعث آزارش شده بود. گاهی حتی فرزندان از وجود مادر بی‌خبرند و هیچ کس به آنها نگفته که مادری دارند. فاطمه از کسانی است که به جرم اعتیاد، همسرش او را از دیدن فرزند محروم کرده و حتی همسر صیغه‌ای‌اش را بجای مادر به فرزندش معرفی کرده است اما فرشته معتقد است که علیرغم ناملایمات برخی از اعضای فامیل، او دختر عمه‌ای دارد که هر زمان به او سفارش کند به فرزندانش سر می‌زند و هوای آنان را دارد:

" بعضی مواقع میگم دختر عمه‌ام خرید کنه برای بچه‌هام بیره بعدا که رفتم مرخصی میرم باهاش حساب می‌کنم "

۲,۳: بازگشت و تکرار جرم

در بین زندانیان مواد مخدر، بیشترین عامل ارتکاب مجدد جرم به فقر و عدم تامین معیشت باز می‌گردد، در این خلال هم نشینی با خانواده‌ی معتاد و قاچاقچی، بودن در محلات آسیب خیز و قاچاقچیان‌ی که به دنبال طعمه هستند نیز از عوامل و سوسه در ارتکاب جرم می‌باشد.

شانس ارتکاب مجدد جرم و بازگشت به زندان در افرادی که قبل از زندانی شدن سابقه مصرف مواد مخدر داشته‌اند بسیار بیشتر از کسانی بود که قبل از زندانی شدن سابقه مصرف مواد مخدر نداشتند به این علت که مصرف مواد مخدر مستلزم برخوردهای مکرر و آشنایی با افراد مجرم و خلافکار و حتی بازگشت دوباره به کانونهای جرم و خلاف پس از آزادی از زندان و در نتیجه مشارکت در اعمال مجرمانه و یا تکرار جرائم قبلی گردد و از طرف دیگر این احتمال وجود دارد که افراد جهت تهیه و فراهم نمودن مواد مخدر مصرفی خود، دست به خلاف و اعمال منافی قانون زده و در نهایت زندانی شوند. (ریبی، ۱۳۸۴:۴۷)

اکرم از جمله کسانی است که فقر را عامل بازگشت به مواد می‌دانست اما شهره به غیر از فقر، و سوسه‌های همسرش در فروش مواد را عامل بدبختی‌اش می‌داند:

" سال ۹۹، فقر، مشکلات، کرونا، بیکاری دیگه هیچ پولی نداشتم باعث شد برگردم به مواد "

کژ کارکردی خانواده، سابقه بزه و وجود اعضای بزه‌کار در خانواده، با ارتکاب مجدد جرم رابطه‌ای معنادار دارد. هنگامی که شبکه ارتباطی نزدیک فرد یا به عبارتی هم‌نشینان فرد که عمدتاً شامل خانواده و دوستان هستند دچار کژ کارکردی باشند، جامعه‌پذیری ضد اجتماعی در او صورت می‌گیرد و همین امر بر شیوه نگرش تقویت شناسایی فرصت‌های خلافکاری و افزایش رفتار انحرافی تأثیر می‌گذارد. (آقا بخشی و همکاران، ۱۳۹۸: ۱۹۲) مهناز اما خیلی تأکید داشت که موادی‌ها با بقیه زندانیان متفاوتند و اگر جرمی مرتکب شدند دلیل شان با دیگران فرق دارد، از سادگی آنها، گردن گرفتن‌ها و باج دادن‌هایشان صحبت کرد:

" ما موادی‌ها با فساد و فحشا و سرقت و مالی‌ها خیلی فرق داریم، نافمونو از کوچیکی با بدبختی بُردن، به خاطرِ یه قرون پول مجبور شدیم مواد بفروشیم، بخاطر اینکه سرپناه داشته باشیم مجبور شدیم به هر مردی باج بدیم، هرچی هم بهمون بگن گردن بگیریم، الان نصفِ بیشترِ بندمون بخاطرِ اینکه گردن گرفتن، مردها می‌گن بشما سخت نمی‌گیرن، شما زَنید، زود آزادتون میکنن، اگه آزادتون نکردن خودمون براتون و کیل می‌گیریم، خرمون میکنن، ما زنها خیلی ساده و بدبختیم، مخصوصاً که پای بچه‌هامون درمیون باشه از خیلی چیزها کوتاه میایم."

نکته قابل تأمل در بازگشت و تکرار جرم این است که کینه‌ای که از مسیبن زندانی افتادن‌ها در دل برخی از زندانیان است گاه تا مرز کشتن فرد پیش می‌روند مثل پریسا که مادرش را باعث بدبختی‌اش می‌داند و بارها در فکرو خیالش او را کُشته و یا شهره که بعد از حکم اعدام و درخواست طلاق همسرش کابوسِ قتل او را می‌بیند.

۳- ائتلاف فرودستی و هم دستی

قرار گرفتن برخی زنان در موقعیت « فرودست» در جامعه ایران، علیرغم تأکیدات اسلام بر شأن و منزلت زنان و برابری انسانی با مردان در همه‌ی شئون، این مهم، به درستی در جامعه‌ی اسلامی ایران اجرایی نگردیده است و به دلیل خلأهای قانونی و فهم نادرست مردان از « الرجال قوامون علی النساء» به خشونت‌های خانگی، اجبار در ازدواج و کار در سنین کودکی و... توسط والدین انجامیده است. در این پژوهش از «سوگنامه کودکی» زندانیان زن که با کارگری، کودک همسری، زندگی با نامادری، زور، شکنجه، اجبار و ارباب همراه بوده تا آسیب‌های مردانه‌ای که

از جانب همسران، داماد و اقوامِ مرد، گریبان گیر زنان شده است و در نهایت سوء استفاده از «زن بودن» توسط مردان و «انقیاد زنان» برای گردن نهادن به خواسته‌های آنان خواهیم پرداخت.

۳,۱: تراژدی کودکی

اکثر مصاحبه‌شوندگان، دنیای پرتلاطمی در دوران کودکی داشتند از عذاب‌های نامادری تا خشونت خانگی، کودک همسری، کودک مادری، کارهای سخت در سنین کودکی و اغلب آنان فرزندان طلاق بودند و یا یکی از والدین در قید حیات نبودند.

فروپاشی خانواده کم اهمیت‌تر از خوشحالی و خوشبختی خانواده است یعنی خانواده‌ای که پر از تشنج و اختلاف باشد می‌تواند نقش مهمی در کجرفتاری نوجوان بازی کند اما نوجوانی که در خانواده طلاق گرفته ولی آرام زندگی کند وضعیت بهتری دارد (ممتاز، ۱۳۸۱: ۱۲۳)

آزارهای دوران کودکی ضایعات جبران‌ناپذیری را بر سلامت کودکان می‌گذارد اگر کسی از کسانی است که بقول خودش پیش «نامادری» بزرگ شده، او از شکنجه‌هایی که در خانه می‌شد به تلخی یاد می‌کند.

کار در آجرپزی از جمله کارهای سختی است که از توان کودکان بالاخص دختران کوچک خارج است. دنیا یکی از کسانی است که چون پدرش فوت کرده بود مجبور به کار در سنین کودکی بود، کوره‌های آجرپزی، سبب چینی، خیاطی، بنایی و حتی نانواپی و... او با یادآوری این کارها صورتش فشرده می‌شد و دستانش درد می‌گرفت.

علیرغم تصویب قانون حمایت از کودکان و نوجوانان، طبق ماده ۷۹ این قانون، به کارگماردن افراد کمتر از ۱۵ سال تمام، ممنوع است، و حتی در ماده ۱۵ این قانون، اگر کسی مرتکب بهره‌کشی اقتصادی از اطفال و نوجوانان شود به مجازات محکوم خواهد شد.^۱ اما متأسفانه هنوز هم شاهد رنج کودکان کار هستیم و علیرغم بودجه‌های هنگفتی که برای آسیب‌های اجتماعی به‌ویژه ساماندهی کودکان کار و تلاش برای عدم به کارگیری آنان به عنوان نیروی کار در نظر گرفته شده است نتایج قابل قبولی در پی نداشته است.

۱- قانون حمایت از اطفال و نوجوانان-تصویب ۹۹/۰۲/۲۳ ابلاغی از رئیس جمهور

کودک آزاری و مخالفت برای ادامه تحصیل از جمله کارهایی بود که مریم از خاطرش نمی‌رود او که مجبور بود از برادر ۱۰ ماهه‌اش مراقبت کند، برای اینکه بتواند به مدرسه برود صبح زود غذا درست می‌کرد و رنج آزارهای زن بابا را هم به جان می‌خرید هنوز از آن روزها با آخم و ناراحتی یاد می‌کرد.

ناپدید شدن و کارتن خوابی پدر به خاطر اعتیاد، باعث شد تا مرجان اجازه‌ی ازدواجش را از دادستان بگیرد، ازدواجی که با زور و در ۱۵ سالگی بود و کودک همسری بخاطر فقر با مردی که فاصله‌ی سنی زیادی داشت، بلایی بود که بر سر سمیه آمده بود او با مردی ۳۲ سال از خودش بزرگتر، ازدواج کرده بود و در تمام طول مصاحبه با تنفر از او یاد می‌کرد.

۳،۲: آسیب‌های مردانه

مردان در زندگی زنان زندانی نقش موثری داشتند، خشونت‌ها و آسیب‌هایی که از جانب آنان بر زنان وارد شده امری انکارناپذیر است. اجبار در ازدواج کودکان توسط والدین برای رسیدن به پول باعث شد که فرشته زمانی که باردار بود اقدام به خودسوزی کند، او که در ۱۳ سالگی با مردی ۳۳ ساله، متاهل با ۶ فرزند، به زور صیغه شده بود هنوز هم فرزندش بدون شناسنامه است، فرزانه هم سرنوشتی مشابه فرشته داشت او که در ۱۲ سالگی پس از بازگشت از مدرسه سر سفره عقد نشسته بود مرور آن خاطرات برایش دردناک بود.

مردان معتاد هم محل زندگی‌شان را مکان خرید و فروش مواد مخدر می‌کردند و این موضوع باعث آسیب‌های متعددی به زنان و فرزندانشان می‌شد و در هنگام دستگیری زنان شان هم به جرم همکاری با آنان دستگیر می‌شدند. مهین از جمله این زنان بود. پدران خلاف کار هم در سرنوشت دخترانشان بسیار تاثیرگذار بودند، فرزانه از اعتیاد، قمار و زن بارگی پدرش آسیب‌های جدی دیده بود مخصوصاً که پدرش او را در قمار باخته بود و او در نهایت با یک فرزند بخاطر تنفر از همسرش از او جدا شد:

" پدرم، فقط زن صیغه می‌کنه، از هفتمین صیغه ایش یه دختر داره، فقط مامانم زن عقدیشه. همه‌ی زندگیش توی اعتیاد و قمار و صیغه گذشته، بابام منو توی قمار باخت، دیگه روی زن و بچه‌اش غیرت هم نداشت"

رسم‌های خانمان برانداز هم در تغییر سرنوشت این دختران تاثیرگذار بود، آنجا که فقط به خاطر یک قول، آنان را بدبخت می‌کردند و فرحناز یکی از آنها بود که با حسرت از عشق نافرجامی صحبت می‌کرد که به خاطر این رسومات غلط، از بین رفت. شکنجه‌ی زنان توسط همسران معتاد هم از داستان‌های غریبی بود که فرحناز از گوشه‌ای از آن پرده‌برداری کرد، از دندان شکسته، چشم کیود و سوختن پاهایش:

"شوهرم شیشه‌ای بود، توهم میزد، کتک میزد، یه روز از بس کتکم زد دندون جلوم شکست، بیهوش شده بودم، آب جوش ریخت بینه‌الکی از هوش رفتم یا نه، بعد دید تکون نمیخورم زنگ زد که فرحناز مُرده، چشمم هم کیود کرده بود. رفتم حمام، پوست پاهام سوخته بود، به بهانه‌ی دکتر فرار کردم رفتم خونه بابام"

خیانت همسر یکی دیگر از آسیب‌های روحی-روانی بود که بر زنان زندانی وارد می‌شد. زهرا که شوهرش به خاطر ارتباط با یک دختر به قتل رسیده بود، سه سال به جرم این قتل در زندان بود که نهایتاً تبرئه گردید، اما آسیب‌های زیادی بر فرزندانش وارد شد که تاکنون ترمیم نیافته است و گریه‌های شبانه‌اش در زندان، عدم اجازه‌ی ملاقات با فرزندانش، هنوز هم برایش درد آور بود.

خشونت خانگی، بیرون کردن همسر از منزل و در نهایت طلاق، از بلاهای دیگری بود که همسر مرجان برسرش آورده بود او که اجازه‌ی دیدن فرزندش را به مرجان نمی‌داد، تا حد مرگ او را تحقیر می‌کرد و باعث تنفر عمیقی از مردان در وجود او شده بود:

"بیشتر این بدبختی‌ها وقتی بود که شوهرم منو مینداخت بیرون، پول بمن نمی‌داد، طلاهام رو میگرفت، نه نونی، نه آبی... طلاقم که داد تا چند وقت پیش به دخترم اجازه نمی‌داد بمن بگه مامان. بنظرت میتونه حق مادری رو از من بگیره؟ مگه اون خُداست. حالم بهم میخوره از مردهایی که هر بلایی را سرزنشون درمیارن چون اسمشون مرده"

در زمینه‌ی خشونت، دیدگاه فمینیستی واحدی وجود ندارد؛ ولی همه‌ی رویکردهای فمینیستی، خشونت نسبت به زنان را در متن جایگاه فرودست زنان نسبت به مردان بررسی می‌کنند. در دهه‌ی هفتاد، فمینیست‌ها کوشیدند تجاوز جنسی و کتک زدن همسر را علائم جدی خشونت مردان نسبت به زنان معرفی کنند؛ اما این رویکرد به تازگی مورد اعتراض واقع شده و فمینیست‌ها

گفته‌اند هر چه را که موجب وحشت و ارباب‌زنان می‌شود، باید در بستر کنترلی که مردان بر رفتار زنان دارند بررسی کرد (والاس و آبت: ۱۲۴، ۲۰۰۱).^۱

۳،۳: سوء استفاده از زنان

سوء استفاده از زنان به ویژه در جرم مواد مخدر در پژوهش حاضر بسیار دیده می‌شد، اینکه رویکرد رأفت اسلامی در دادگاه‌های ایران برای زنان وجود دارد باعث می‌شد که مردان نهایت استفاده از این موضوع را ببرند و به بهانه‌ی زندانی نشدن زنان، از ساده لوحی آنها سوء استفاده و بار قاچاق را بر گردن آنها بیندازند.

اگر این خانواده دچار کژکارکرد شود و اعضای خانواده از دیگر اعضا سوء استفاده کنند، مفهوم نظارت و کنترل اجتماعی خانواده بی‌معنا خواهد شد. مردانی که زنان شان را معتاد کرده بودند تا با آنها همکاری بیشتری داشته باشند، مثل شهره که همسرش با وسوسه به بهانه‌ی بارداری از او سوء استفاده می‌کرد و در نهایت با آنگک معتاد او را از زندگی‌اش بیرون کرد:

"متاهل بودم شوهرم طلاقم داده، خود نامردش معتادم کرد منو انداخت توی کار خرید و فروش. آخرش هم گفت زن مافنگی بدردم نمی‌خوره. می‌گفت با فروش مواد بارمونو می‌بندیم و اینکه تو به زن بارداری و کسی بهت شک نمیکنه. قبول نکردم باورم نمیشد منو فرستاده برای فروش. خیلی ترسیدم شروع کرد به تهدید به اینکه میرم به بابات میگم که مواد جابجا کردی" زنانی هم بودند که هم مورد سوء استفاده‌ی همسر و هم داماد قرار گرفته بودند. مهین شوهرش را عامل بدبختی‌اش می‌دانست و پس از مرگ او برای اینکه از پس مخارج ترحیم بریاید با وسوسه‌ی دامادش مواد خرید و فروش کرد که دستگیر شد.

اکرم هم با اجبار همسرش و با این بهانه که قانون با مادران کاری ندارد خرید و فروش انجام داده بود و دستگیر شد، فرشته هم خودش را به خاطر ساده لوحی سرزنش می‌کرد که چرا جرم دامادشان را گردن گرفته، قبلا هم پسرعمویش او را خام کرده بود که گردن بگیرد و این موضوع باعث تنفرش از مردان شده بود

1. Wallace, C. and Abbott, P

همسر فرزانه هم در دزدی‌هایش برای اینکه دیگران شک نکنند او را با خودش همراه می‌کرد و این اجبار در هم دستی در خلاف به خاطر نبودن در قدرت برای زنانی مثل زهرا نیز اتفاق افتاده بود، و حتی در زندان برای شوهرش مواد جاساز می‌کرد تا به او برساند. غالب نمونه‌ها معتقد بودند که اعتماد بیش از اندازه و یا تهدید و فریب از جانب همسران یا دیگر مردان نزدیک در خانواده، پای آن‌ها را به زندان باز کرده است و به نظر می‌رسد فقر و استیصال خانوادگی قدرت‌چندانی به این زنان برای مقاومت در برابر خواسته‌های نامشروع همسرانشان نداده است.

فرار مردها از صحنه‌ی جرم و انداختن بار مواد بر دوش زنان از شگردهای مردان قاچاقچی بود. زیبا پس از فرار همسرش دستگیر شده بود:

"داخل ماشین بودیم، یکی به شوهرم نیم کیلو مواد انداخته بود، بمن گفت شریک بشیم بگو برای هردو تامون بوده، وقتی پیاده شدیم، فرار کرد، منو گرفتن، اونم بعد از چند روز گرفتنش، اشتباه کردم گردن گرفتم من همیشه چوب ساد گیمو میخورم"

جدول شماره ۲: تم‌های اصلی، مضامین فرعی و مفاهیم

| تم اصلی | مضامین فرعی | مفاهیم |
|--------------------------|---------------------|---|
| ائتلاف فرودستی و هم دستی | تراژدی کودکی | عذاب‌های نامادری - فرزند طلاق - کودک همسری - فقر عامل اجبار - کودک مادری - آزارهای دوران کودکی - کودک کار - مخالفت برای ادامه تحصیل |
| | آسیب‌های مردانه | ازدواج اجباری - خودسوزی - مردان قمارباز - رسم‌های خانمان برانداز - خیانت همسر - خشونت خانگی - طلاق - اخراج همسر |
| | سوء استفاده از زنان | معتاد کردن زنان - اجبار در فروش - سوء استفاده داماد - تنفر از مردان - شراکت در دزدی - مردسالاری - فرار مردان از جرم |
| دگرگونی زنانگی | گرایش به مردانگی | تیغ‌زنی و تلکه کردن - زورگویی - تهدید - ظاهر مشخص سابقه دارها - آرزوی مرد بودن - دعوا برای قدرت نمایی - صدای بلند - گری خوانی در زندان - کتک کاری - قلدری سابقه دارها - بابای زندانی‌ها |

| تم اصلی | مضامین فرعی | مفاهیم |
|---------------------------|----------------------|--|
| | گرایش به هم جنس | کوتاهی موی هدفدار- ترس از زنان مرد نما- بیکاری عامل گرایش به هم جنس- خواستگاری از هم جنس- تنفر از زنان مرد نما - گرایش بخاطر بی‌کسی |
| | کارگری سخت | شیفت شب- کارگری در زندان- سختی کار آشپزخانه- کار بخاطر بی‌پولی بی‌هوشی از کار زیاد |
| زوال و از دست دادن نقش‌ها | انزوای اجتماعی | نداشتن شانس ازدواج- مدیریت داغ ننگ- آزار همسایگان- نقل مکان از محله- ملامت‌های محیطی- سوء سابقه برای کار- ترس از نگاه مردان |
| | عدم مقبولیت خانوادگی | احساس تحقیر و سرخوردگی- پنهان کردن مشکلات- عدم اعتماد فرزندان- طرد خانواده- فشار دوری از فرزندان- پنهان کردن فرزندان- شرم از خانواده- نگاه نامناسب آشنایان- بی‌وفایی فرزندان |
| | بازگشت و تکرار جرم | فقر عامل بازگشت- وسوسه‌های همسر- گردن گرفتن- ساده لوحی زنان- باج دادن بخاطر فرزند- طعمه برای قاچاقچیان |

بحث و نتیجه گیری

«زنانگی» برخلاف باور عمومی که عموماً ویژگی‌های زیست‌شناختی و جسمانی زن تعریف می‌شود، برساختی اجتماعی است و صرفاً سازه‌ای زیست‌شناختی نیست. یافته‌های تجربی به روشنی نشان دادند که در چرخه زندان، این زنانگی، رُمخت می‌شود، عاطفه رنگِ خشونت می‌گیرد و عادات جنسی عوض می‌شود، ما با ظاهر مردانه‌ی عده‌ای روبرو می‌شویم که نه تنها، موهای کوتاه پسرانه دارند بلکه نوع پوشش، لحن صحبت و نحوه‌ی راه رفتن بویژه حالت بالا انداختن شانه‌ها و پرانتری دست‌هایشان جلب توجه می‌کرد. آنها با یادآوری مردسالاری در اذهانشان، از لحظه‌ی ورود، با دعوا، گری‌خوانی، تهدید و زورگویی زندگی می‌کنند و خود را «بابای زندانیان» می‌دانند و سعی در تغییر عادات رفتاری شان به سمت، مردانه شدن را دارند.

قدرت در زندان برای برخی از زنان شرایط لذت بخشی را فراهم می کند که امکان دستیابی به آن در جهان بیرون تقریباً غیر ممکن است، آنها با نوجه پروری در زندان حکومت می کنند و به آن افتخار می کنند. از سویی شاید آزارهایی که در محیط بیرون از زندان بر زندانیان به واسطه زن بودن روا شده باعث می شد در محیط زندان با فراهم شدن شرایط، آرزوی مرد بودنشان تحقق یابد. تازه واردها با سابقه دارها متفاوتند. آنها هنوز با محیط خشن زندان آشنا نشدن و خلیقات زنانه شان عوض نشده است، تیغ زنی، تطمیع و تهدید مرخصی رفته ها برای قاچاق مواد، اطاعت دیگران که در قالب «اکرام» از آن یاد می کنند از جمله خصوصیات است که یادآور «مردسالاری» است، البته قدرت پول در این میان نقش تعیین کننده ای دارد. آبتوت و والاس (۱۹۹۰)^۱ از مشخصه های اجتماعی بزهکاری زنانه را دلبستگی به رفتار مردانه می دانند که بیش از آنکه به معنای نفی کامل زنانگی باشد نشانه ای طرد عناصری از کلیشه ای فرهنگی نقش زنانه است که دختران بیش از اندازه دست و پاگیر تصور می کنند. (والاس و آبتوت: ۸۶، ۱۹۹۰)

وابستگی نایمن در زندان که ناشی از عدم ارضاء عواطفشان است، تنفر از جنس مردان، تلاش برای جذب حامی و فراموش کردن طعم تلخ طلاق، هم زمان با ایجاد تنوع در روابط داخل بندها، در آمدن از یکنواختی های روزانه و نیاز جنسی، از جمله عواملی است که باعث «تشکیل شبه خانواده» در زندان شده است. پژوهش صادقی و میرحسینی (۱۳۹۳) در مقاله ای با عنوان «تحلیل جامعه شناختی روایت زنان از زندان، پس از آزادی» از طریق پدیدار شناسی و مصاحبه های عمیق با ۲۰ زن پس از آزادی از زندان، نشان داد که چگونه زندان، زنان را در یک موضع خاص قرار می دهد و برای آنها پیامدهای جدی را رقم می زند، که بخش عمده ای از آن توسط زنان منفی تلقی می شود و تبعاتی چون طرد خانوادگی و اجتماعی، دوری از فرزندان و تاثیرات حبس، آموزش و یادگیری بزهکاری در زندان و... را برای آنها بدنبال دارد. با این حال، زنان مصاحبه شونده معتقدند حبس، تاثیرات مثبتی نظیر قطع شبکه های ارتباطی جرم زا و جداسدن از سابقه جرمی، آموزش مهارت های فنی و حرفه ای در زندان و مواردی نظیر این را نیز به دنبال دارد. در مجموع محیط زندان را فضایی مبتنی بر خشونت و درگیری می داند که در آن فرد با جدا شدن از هر آنچه در جهان بیرون به آن متصل است، مجازات می بیند.

1. Wallace, C. and Abbott, P

کارگری مداوم نیز در زندان که ناشی از نداشتن پول و یا تأمین مالی فرزندانشان است، باعث زمخت شدن آنان و فراموشی زنانگی شان شده است. تمیزی سالن‌ها، سرویس‌ها، شیف‌ت شب، کار در آشپزخانه و... از جمله کارهای طاقت فرسایی است که باعث خشن شدن آنان و پیری زود رس شده است.

زنانی که وارد زندان می‌شوند به خاطر قدرت نابرابر، زندان مثل کاتالیزور آنها را در جایگاه عقب‌تری قرار می‌دهد. طرد آشنایان باعث پرخاشگری. اعتماد به نفس پایین، سرخوردگی، بی‌خانمانی می‌شود و مهم‌تر از همه «داغ ننگ» باعث می‌شود که دوستانشان را از دست بدهند، نتوانند ازدواج سالمی داشته باشند، تفریحات قبل را ندارند و فرزندانشان آنان را بعنوان مادر، پشتیبان و هدایت کننده قبول ندارند. انزوای اجتماعی، عدم مقبولیت خانوادگی و بازگشت و تکرار جرم باعث از دست دادن نقش‌های این زنان می‌شود. آزار همسایگان، تهدید صاحب خانه، گذشتن از خواسته‌ها، ملامت‌های اطرافیان، تلاش برای شغل آبرومندانه، فرار از قاچاقچیان که آنان را وادار به فروش مواد می‌کنند از جمله عوارض انزوای اجتماعی است و مهمترین استراتژی‌های زنان در پنهان نگه داشتن سابقه جرم و گمنامی و دوری از انگ خوردن است. مویید این موضوع، پیمایشی است که وروایی اکبر و طاهره (۱۳۹۴) با عنوان «تأثیر طرد اجتماعی بر تکرار جرم زنان پس از آزادی از زندان» در شهرستان کرمانشاه، از ۴۲ نفر از زنان و دختران بازداشتی در بازداشتگاه‌های نیروی انتظامی مورد پرسش و بررسی قرار گرفتند که یافته‌های این پژوهش نشان داد که ارتکاب مجدد جرم رابطه معناداری با طرد اجتماعی داشته و هرچه میزان طرد اجتماعی بالاتر باشد، احتمال ارتکاب مجدد جرم در بین مجرمان افزایش می‌یابد.

ترس از عدم اعتماد فرزندان به مادر، سنگ صبور نبودن و پیدا کردن الگوی جایگزین مادر، از جمله نگرانی‌هایی است که در از دست دادن نقش‌ها تسهیل‌گری می‌کند. عدم اجازه برای دیدن فرزندان و بدتر اینکه فرزند، خبر از مادر نداشته باشد از جمله دردناک‌ترین اتفاقاتی است که ممکن است در طول زندگی یک مادر رخ دهد و نتواند نقش مادری‌اش را ایفا کند.

ابراهیمی و همکاران (۱۳۹۵) در پژوهشی تحت عنوان «مطالعه تجربه زیسته زنان زندانی از نقش مادری» به بررسی تجربه زیسته یازده زن زندانی با روش پدیدار شناسی پرداختند که دارای یک تا سه فرزند مجرد بودند. این پژوهش تجربه زیسته زنان را بعد از آزادی از زندان در مواجهه با

فرزندانشان به عنوان مادر تحلیل نموده است که این زنان در نقش مادری بعد از آزادی در بخش‌هایی مانند سنگ صبور بودن، الگو بودن، متقن بودن و مورد اعتماد بودن از نظر خودشان در نگاه فرزندانشان متزلزل شده‌اند.

جایگاه فرودست زنان آنجا که به هم دستی با مردان می‌انجامد و مورد سوء استفاده قرار می‌گیرند از جمله تراژدی‌های زنان زندانی است وقتی که با زور مرد سالاری تن به ازدواج می‌دادند، «کودک مادر» می‌شدند و به دنبالش «کودک مطلقه». نبود یکی از والدین بخاطر مرگ یا طلاق، زندگی پرتنشی را برای کودکان بوجود می‌آورد. آزارهای جسمی و روحی ناشی از زندگی با ناپدری و نامادری، زخم‌های عمیقی بر روحشان وارد می‌کرد، ادامه تحصیل حسرتی بود که برخی از آنان هنوز هم در گفتارشان مشهود بود، اعتیاد خانواده و بویژه پدر، در سرنوشت دختران تاثیرگذار بود، از پدرانی که مکان زندگی را برای خرید و فروش مواد انتخاب می‌کردند تا آنان که در قمار دختران معصومان را می‌باختند یا آنجا که باید تن به رسومات عبثی می‌دادند تا سرنوشتی غریب برای دخترانشان رقم بزنند.

شکجه‌ی زنان توسط همسران معتاد و خیانت همسر هم از داستان‌های قابل تاملی بود که آسیب‌های روحی - روانی بر زنان زندانی وارد نمود. در تحقیق حیدری‌نژاد و همکارش با بررسی شناسایی عوامل موثر در خشونت علیه زنان، نشان داد که هرچه پذیرش اقتدار مرد در خانواده، دخالت اطرافیان زن و مرد، نبود حمایت اجتماعی زنان افزایش یابد، خشونت علیه آنان نیز افزایش می‌یابد. هم چنین خشونت علیه زنان در بین زنان دارای شوهر معتاد بیشتر از زنان دارای شوهر غیرمعتاد بوده است (حیدری‌نژاد. نواح: ۱۳۹۷، ۱۳۳).

خشونت خانگی، بیرون کردن همسر از منزل، طلاق و عدم اجازه‌ی ملاقات فرزندان، جاسازی مواد برای شوهر زندانی، از مشکلاتی است که هم دستی با مردان برای زنان به ارمغان آورد و در نهایت سوء استفاده از زنان برای گردن گرفتن بار مواد مخدر، زنان را قربانی حماقت مردانی کرده بود که حتی برای سهولت جرمشان آنان را معتاد می‌کردند. شاید بتوان گفت به دلیل اینکه زنان در جایگاه فرودست نسبت به مردان قرار دارند، تحت تسلط آنان قرار گرفته و باعث این ستمگری می‌شوند. لذا به طور کل می‌توان گفت که زندان تاثیر مستقیم و شگرفی بر جنسیت و وجوه زنانگی، هم چنین نقش‌ها و مناسبات خانوادگی زنان زندانی خواهد گذاشت.

پیشنهاد می‌گردد استفاده از جایگزین‌های حبس برای مجرمان غیر عمد و مجرمان غیر خطرناک که قانون گذار نیز آن را پیش‌بینی کرده است اِعمال جدی گردد و از سوی دیگر استفاده از جایگزین‌های حبس برای متهمین که به دلیل نداشتن وثیقه و کفالت به زندان می‌روند بسیار مهم‌تر است و این امر مستلزم آن است که قضات و مقامات قضایی به استفاده از آن تمایل نشان دهند، هم چنین « سوء استفاده از زنان» برای قاچاق مواد مخدر که در زندانیان مواد مخدر به وفور یافت می‌شد بایستی مورد توجه جدی سیاستگذاران و قانونگذاران قرار گیرد تا قوانین و تدابیری اندیشیده شود که این امکان برای « مردان» فراهم نگردد. هم چنین توجه به تغییر فضای « زندان زنان» با رویکرد زنانه و آنچه که یک زن برای حفظ وجوه زنانگی‌اش لازم دارد و بازنگری در قوانین زندانبانی که بایستی متفاوت از « زندان مردان» و ساختار مردانه باشد نیز مورد پیشنهاد است و مهم‌تر اینکه راه اندازی مکان‌هایی برای زندگی زندانیان زن که به طرد خانواده و اجتماع دچار می‌شوند و ایجاد اشتغال در همان مکان‌ها برای پیشگیری از ارتکاب مجدد جرم و طعمه شدن توسط قاچاقچیان و هم چنین احساس خودباوری در بین آنان و در نهایت، همه‌ی سازوکارهایی که در زندان بایستی برای یک زندانی و حفظ هویت او فراهم گردد با ارزش آزادسازی زندانی برابری نمی‌کند و همه‌ی تلاش‌ها بایستی در راستای آزادی زندانیان و کمک به کاهش حبس آنان فراهم گردد تا آسیب‌های ناشی از حضور در زندان به ویژه آسیب‌هایی که به هویت زنانه‌ی آنان وارد می‌شود، کاهش یابد.

کد اخلاق پژوهش

این مقاله مستخرج از پایان‌نامه کارشناسی ارشد می‌باشد. با عنوان: تجربه زیسته زندانیان زن سابقه‌دار و حرفه‌ای از حضور مکرر در زندان (مطالعه موردی زندانیان محکوم مواد مخدر با بالاترین میزان ارتکاب مجدد جرم در زندان زنان قرچک)، شماره و تاریخ مصوب: ۱۴۰۲/۶/۲۶، دانشگاه علامه طباطبائی "ره" - دانشکده علوم اجتماعی

فهرست منابع

- Ebrahimi, Simin et al. (1395). motaleh tajrobeh zisteh زنان زندانی از نقش مادری، چهارمین کنفرانس بین‌المللی پajooshesaye nevin dar madirit, egtesad ve alum ensani. atan-yonan. (in Persian)
- Abbott, Pamela, Wallace, Claire. (1990). jamaeishenasi زنان، ترجمه‌ی مانیزه‌ی najam araghi, nesharni. (in Persian)
- Aghabakhshi, Habib, Talebi, Abu Torab, Goljoui, Rasoul. (1398), faratahlil avamel khatar mosar dar ertakab mojudat jaram, pajooshenamah madadkari ejtemaei, sal cheharam, sh 15, se 194-159. (in Persian)
- Haji Babaei Fatemeh. Nawab Elham. (1395), pedidarshenasi ba tamrakz bar rosh shenasi van monan, neshar andisheh rafi, se 84 heydri nejad. sara, navah. abdolreza (1397). « shenasayi avamel mosar dar khshoont aliyeh زنان شهر هواز، faslnameh elmi-pajooshi zan ve jameh. sh 4. (in Persian)
- Rabiei, N. (1384), barresi vaziyat ejtemaei mortabt ba kojardarshenasi زنان، payannamah karshenasi ershod garveh pajoosh ejtemaei, Daneshgah Tabriz. (in Persian)
- Ritzer. George and Douglas J. Goodman .(1390). nazarieh jamaeishenasi madran. tarjme mirzayi, khlil, lotfizadeh, ebas. taharan, jameh shenasan. (in Persian)
- Shafiei. M. (1383). barresi ranpakarehaye amali kanpash nanpanjarinpehei daneshamozan moghate ranpannamayi, tarh tahghighati sazman amuzesh ve prorsh estan azarbayejan sharghi nahieh 2. (in Persian)
- Sadeghi Fasaei, S. and Mirhosseini' Z .(1396). zandegi pes az zandan; chaleshesaye bazsazi baraye زنان، pajooshesaye ranpabardi amenit ve nazam ejtemaei. s6, sh 18. (in Persian)
- Sadeghi, Soheila, Mirhosseini, Zahra .(1393). Tahlil Jamaeishenakhti ravayat زنان az zandan, pes az azadi, faslnameh zan dar toseh ve siast, doreh 12, shmarih 3, payiz 93, 362-345. (in Persian)
- Farahmand Mahnaz. Javadian Seydarza Jalili Pirani Shokofeh .(1400)" Naqsh az Khodbigangi, tabiz jensiti ve dagh nang dar tard زنان زندانی از taamelat bin fardi. faslnameh madadkari ejtemaei. sos 57-66. (in Persian)
- Farnia, Marzieh (1395). Bozhkari زنان ve tabat زندانی shodan baraye anan, Faslnameh Pishgiri az Jaram, doreh 1, shmarih 5, tabastan 32, se 11- 22. (in Persian)
- Ghasemi Roshan, Ebrahim. ghasmi roshen, ebranpanim. (1382). Az eteyad Zanan ta Nabsamani Khanavadeh, Motaleat ketab zananeh, shmarih 22, No. 22. (in Persian)
- Cresswell, John W. (2015). Qualitative Analysis and Research Design, translated by Hassan Danaeifard and Hossein Kazemi, 2nd edition, Tehran: Saffar Publications. (in Persian)
- Goffman, Irving (2007), The stigma of thinking about solutions for lost identity, translated by Kianpour, Masoud, Tehran, Markaz Publishing House. (in Persian)
- Larijani, Mahsa (2019). Perception of the experience of imprisonment among female criminals, Iranian Social Issues Review, 11th volume, Fall and Winter 2019, pp. 79-109. (in Persian)
- Mumtaz, F. (2002). Social Deviations (Theories and Views), Tehran, Publishing Joint Stock Company. (in Persian)

- Mohammadpour, Ahmad (2010). Method within Method on the Construction of Knowledge in the Humanities. Tehran: Sociologists Publications.(In Persian)
- Vervaei Akbar, Vervaei Tahereh (2016). The effect of social exclusion on women's recidivism after release from prison, Quarterly Journal of Social Order, Year 8, Issue 2. (In Persian)
- Anderson, M. L. 1997. Thinking about women, Sociological perspectives on Sex and Gender, Allyn & Bacon.
- Anderson, M. L. (2008). Multiple inference and gender differences in the effects of early intervention: A re-evaluation of the Abecedarian, Perry Preschool, and Early Training
- Covington, S. & Fedock, G. (2017). Correctional Programming and Gender. In Oxford Encyclopedia of Criminology. New York: Oxford University Press
- Giorgi, A.(1989). "One type of Analysis of Descriptive Data: Procedures involved in Following a phenomenological method. 39_61
- Gueta, K. , & Chen, G. (2016). "I wanted to rebel, but there they hit me even harder": Discourse analysis of Israeli women offenders' accounts of their pathways to substance abuse and crime.
- Parry, B. R. (2020). Pathways and penalties: Exploring experiences of agency among incarcerated women in South Africa. *Feminism & Psychology*, 0959353520945857.
- Phenomenological research methods: Sage publications1994Moustakas, Clark
- Phenomenology of divorce for young men. The University of Utah2004Swanson, Leland Benton Press. (Persian)
- The experience of night shift registered nurses in an acute care setting: 2010Anderson, Valerie Valdez. a phenomenological study. Montana State University-Bozeman, College of Nursing
- The phenomenological movement and research in the human sciences. Nursing 2005 Giorgi, Amedeo. (. 82-75)
- Van Voorhis, Patricia, Emily M. Wright, Emily Salisbury, and Ashley bauman. (2010). Women's risk factors and their contributions to existing risk/needs assessment: The current status of gender responsive assessment. *Criminal Justice and Behavior*, 34: 261–288
- Visher, C. A. (2011). Incarcerated fathers: Pathways from prison to home. *Criminal Justice Policy Review*, 24 (1), 9-26. doi:10. 1177/0887403411418105
- Wallace, C. and Abbott, P. (2001). Women Sociology. In M. Najm Iraq (Ed.)
- Wright, E, Van Voorhis, Salisbury Bauman, A (2012) Gender- Responsive Lessons Learned, and Policy Implications For Women In Prison, *Criminal Justice And Behavior*, Sage Publicatio

